

کاروان تجدد

بررسی تأثیرات فرهنگی، ادبی و مدنی جنبش مشروطه در صدوبیستمین سال آن



تاریخ فرهنگ

رضا مختاری اصفهانی پژوهشگر تاریخ

انقلاب مشروطه بیشتر به وجه و نتایج سیاسی آن توصیف و شناخته می‌شود؛ جنبشی که از تقاضای عدالتخانه آغاز و به مشروطه‌شدن نهاد سلطنت منجر شد. مشروطه‌خواهان که بعدها به صفاتی چون انقلابی، ملی و آزادیخواه شناخته شدند، منورالفکرانی بودند که پیش و بیش از فعالیت‌های سیاسی به اقدامات فرهنگی بها می‌دادند. ابیان پیشتر با حضور در مؤسسات و نهادهای آموزشی و فرهنگی امکان حضور در مناصب حکومتی را براباط با دولتمداران را یافتند. چنانچه کسانی مانند میرزا حسن رشیدی، حبیبی دولت‌آبادی، میرزا محمد مهدی شریف کاشانی، سید حسن تقی‌زاده و... با فعالیت‌های فرهنگی به جهان سیاست راه یافتند. ابیان متفاوت از اعیان پیوسته به مشروطه بودند که بعضی از آنان در میانه راه از مشروطه بیریزند یا نگاهی نخبگانی به تغییرات در ساختار سیاسی داشتند. برخی از مشروطه‌خواهان نیز با معلمان یا دانش‌آموختگان مدرسه سیاسی بودند که در دوره مشروطه به مقامات عالی سیاسی یا مناصب فرهنگی دست یافتند. محمدعلی فروغی (محمدحسین و پسرش، محمدعلی)، به‌جز تدریس و نظامت مدرسه سراسری، با انتشار روزنامه «تربیت» برای آگاهی ملی ایرانیان تلاش می‌کردند. تاریخ و ادبیات دو رکن اساسی مقالات تربیت بودند. تأسیس انجمن معارف در دوره صدارت میرزا علی خان امین‌الدوله نیز فرصتی برای این منورالفکران بود که اقدامات اصلاحی خود را پیش ببرند. اعضای انجمن معارف ترکیبی از دولتی‌ها و منورالفکرانی بود که در «تأسیس کتب‌چاپخانه» و «توسعه معارف» می‌کوشید. انجمن نه تنها به رشدی، بنیانگذار مدارس جدید، آزادی عمل بخشدید که موجب ایجاد مدارس گوناگون توسط افراد دیگر شد. «دولت‌آبادی در مراسم گشایش انجمن، رساله‌ای با عنوان «دستور کارخانه آدم‌سازی» خواند؛ نقشی که نشان از اهمیت فرهنگ و آموزش در نزد آزادیخواهان ایرانی داشت. مهم‌ترین لمره انجمن معارف، مدرسه علمیه است که توسط امین‌الدوله گشایش یافت. در همین مراسم بود که میرزااحمدوخان احتشام‌السلطنه پیشنهاد ترجمه «پاره‌ای از کتاب‌های مفید برای بیداری ملت» را داد. ججد اما در نظر بعضی از این رجال، بایستی درون‌زا و همراه با همین‌پرستی و اعتدال در آن باشد. از همین‌رو امین‌الدوله در پاسخ این پیشنهاد گفت: «البته فراهم‌آوردن اسباب یک اندازه بیداری ملت لازم است، ولی نه زیاد، زیرا که شخص غریق اگر از زندگانی خود ناامید شد، از تلاش کردن و دست و پا زدن هم که ممکن است او را به تخته پاره‌ای برساند، بازخواهد ماند.» با چنین نگاهی، توجه به سنت‌های فرهنگی ایران در آموزش نوین جایگاه خاصی داشت. چه با حفظ این سنت‌ها می‌شد استقلال سیاسی و فرهنگی را حفظ کرد. با این همه، ترجمه رکن اساسی در نظام آموزشی نوین بود. ترجمه چشم انسان ایرانی را به جهان جدید می‌گشود و پنجره‌ای رو به جهان فرهنگیان بود. ایرانیان، ترجمه به فهم جدیدی در دیپلماسی، تجارت و صنعت دست می‌یافتند. نکته جالب این که بعضی از مترجمان از رده شاعران‌ان و اشراف بودند؛ همان‌هایی که زبان‌های فرنگی را یا در دارالفنون یا از معلمان خصوصی آموخته و تجربه زندگی در اروپا را نیز داشتند. همچنین در آن زمان کتاب‌هایی مانند «سیاحتنامه ایراهیم‌بیگ» تصویری از زندگی ایرانیان ارائه می‌کرد که روشننگار بود. در این تصویر خوانندگان با واقعیت تلخ زندگی در زیر سیطره استبداد آشنا می‌شدند. براین اساس، در جلسات انجمن مخفی آزادیخواهان که با توصیه سیدمحمد

طباطبایی برگزار می‌شد، کتابخوانی راهی برای آگاهی اعضا و نیزامنیت آنان آن سه‌وظن مأموران دولت بود: «اول آن که همه اهالی مجلس جرأت استماع این‌گونه مذاکرات را نداشتند و از ترس آنکه شاید خبر به عین‌الدوله برسد، در جسد رفتن بودند، ولی کتاب‌خواندن چندان نفلی و ترسی نداشت. دوم آن که ایرانیان مطالبی را که در کتاب باشد، بهتر اهمیت به آن می‌دهند خوب حاضر و همیای استماع می‌شوند. سیم آن که هر کس متکلم به این کلمات می‌شد، فوراً به او می‌پسندند که بابی و لامذهب است، لکن در خواندن کتاب محذوری نبود.»

پایه‌های سازه فرهنگی مشروطه

در روزگار مشروطه‌خواهی، کتاب، شبنامه و منبر سه رسانه آزادیخواهان در مقابله با سلطنت قاجاری بود. بر این مبنا می‌توان گفت مشروطه‌خواهی ایرانیان سازه‌ای فرهنگی داشت. چنانچه یکی از رهبران روحانی مشروطه، سیدمحمد طباطبایی، بنیانگذار مدرسه جدیدی به نام «اسلام» بود. واعظانی مانند سیدجمال‌الدین اعظمی و آصف‌الله میرزا ناصر الله ملک المتکلمین و شیخ محمد سلطان‌الواعظین در تطبیق مفاهیم جدید با سنت‌های دینی می‌کوشیدند؛ همان نکته‌ای که روزگاری میرزا ملکم خان از آن سخن گفته بود. شبنامه‌ها هم در مقابل روزنامه‌های دولتی بودند که آکنده از تملق و تمجید و خالی از تنقید سیاسی بودند. مشروطه به مدد رسانه آگاهی توانست بر استبداد غلبه کند. به طوری که سیدمحمد مدرسه جدیدی در گشت‌وگویی با ناظم‌الاسلام کرمانی گفته بود: «این اقدامات و مقدمات در موقع نتایج خود را ظاهر خواهد داشت.»

جنبشی که با ساختار و رفتار فرهنگی به پیروزی رسید، نمی‌توانست در زمانه استقرار و تثبیت نسبت به مسائل فرهنگی و مدنی بی‌تفاوت باشد. ترکیب مجلس اول که طبقاتی بود و طبقه متوسط شهری در آن جایگاه خاصی داشت، به تحقق این هدف کمک کرد. تجار و اصناف به عنوان اصلی‌ترین نیروی پیش‌برنده مشروطه برای حفظ موقعیت جدید، از طریق توسعه طبقه متوسط شهری یا به بیان آن روزگار، «طبقه سوم» می‌کوشید. این توسعه با آگاهی و آموزش امکان‌پذیر بود. از همین رو توده‌های خارج از تقسیم‌بندی طبقاتی در انتخابات مجلس، از این بحث برخوردار بودند که از مذاکرات نمایندگان مطلع شوند. همچنین با تصویب قوانین مختلف مانند تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های بلدی سعی شد این طبقه در اداره ولایات و شهرها مشارکت داشته باشد. مشارکت مدنی شهروندان امری مختلف و آگاهی آنان از حقوق و وظایف‌شان از مهم‌ترین نکات در سازمان این نهاد‌های تازه‌بنیاد بود. در واقع، مهم‌ترین هدف نهفته در قوانین ایجاد نهاد‌هایی از این دست، تبدیل رعیت یا شهروندین به شهروند بود. از همین‌رو بدلیه‌ها و انجمن‌های ایالتی و ولایتی ارکان مطبوعاتی داشتند و از این طریق علاوه بر اخبار اقدامات‌شان، اهالی را نسبت به حقوق و وظایف شهروندی‌شان آگاه می‌کردند. گفتنی است مهم‌ترین روزنامه‌های عصر مشروطه همین ارگان‌های مطبوعاتی هستند؛ روزنامه‌هایی مانند «انجمن‌تربیز»، «انجمن مقدس ملی اصفهان»، «بلدیه تهران» و «جهاد اکبر» بر این برجستگی دلالتی روشن دارند. همین ویژگی است که مشروطه را در جایگاه انقلابی نشانده است. اگرچه مشروطه ایران انقلابی تمام‌عیار و خشونت‌بار بر مبنای تعاریف مارکسیستی نبود، اما توانست با ایجاد نهاد‌های جدید به حضور و مشارکت مدنی نیروهای اجتماعی چون تجار و اصناف و ورود بهمیانان‌شان به عرصه سیاست و اجتماع کمک کند. این مشارکت اما در مسیر حوادث متوقف با محدود شد. چنانچه انجمن‌های ایالتی بلدی برخلاف قانون مصوب مجلس اول، ابتدا تعطیل و سپس با تغییر قانون در سال ۱۳۰۹ نقش دولت در آنها پررنگ شد. چنانچه اعضای این انجمن‌ها در یک انتخابات در درجه‌ای، برای حضور

در انجمن به تأیید و تصویب دولت نیاز داشتند.

به دست مردم و برای مردم

مهم‌ترین کلیدواژه گفتمان مشروطه بود که سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌داد. آنان، بانکی بود که «هر کس به قدر قوه و قدرت وطن‌پرستی خود و چه به‌عنوان سرمایه‌ش شرکتی در این بانک بگذارد و قبض و سهم دریافت دارد که بانک با این سرمایه داد و ستد نماید؛ حالا و مآلاً رفح حوایج دولت و ملت را بنماید.» چنین تعریف و هدفی از بانک ملی موجب شد علاوه بر تجار و اصناف، قفقیه‌ان و طبقات گوناگون در این امر ملی مشارکت کنند. توانگران که جای خود داشتند، بی‌باعتنا نری می‌خواستند در حد توان‌شان شریک تأسیس بانک ملی شوند. چه استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را در ایجاد این مؤسسه پولی و مالی می‌دیدند. به روایت کسروی: «... چند حجره بازگانی را برای گرفتن پول از مردم شناسانیدند؛ مردم رو به آتجاها آوردند و پول پرداختن آغاز کردند. توانگران که مدتی به سرتاسر آن می‌پروا شدند، به جای خود، کم‌چیزان از همبازی بازمی‌ایستادند. طلبه‌ها نشست برپا کرده و پول از میان خود گرد آورده و می‌فرستادند؛ گفته می‌شد کسانی کتاب‌های خود را فروخته و پول بسیجیدند. شاگردان دبستان‌ها و پول‌های کار را می‌کردند. زنان گفت‌وگو می‌کردند و می‌فرستادند؛ گفته می‌شد که برای من یک رختشوی هستم، به سهم خود یک تومان می‌دهم.» جالب اینکه بانک ملی که قرار بود با سرمایه مردم و برای مردم باشد، بعدها که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد، تنها نامی از آن داشت. این بانک تبدیل به بانکی دولتی و در خدمت اهداف آن شد. شاید بتوان گفت «به دست مردم و برای مردم» مهم‌ترین هدفی بود که مشروطه‌خواهان در پی تحقق آن بودند. از همین‌رو بسیاری از امور از انحصار حکومت خارج شد. چنانچه انتشار روزنامه دیگر منحصر به دولت نبود. اگرچه امتیاز اولین روزنامه مشروطه، «مجلس»، با فرمان مظفرالدین شاه برای منسویان دو قفیه مشروطه‌خواه، بهبهانی و طباطبایی، صادر شد، اما روزنامه‌های بعدی توسط کسانی منتشر شدند که حتی مورد حقد و کین بعضی از آنها بودند.

زبان جدید روزنامه‌نگاری

در این برهه اگرچه روزنامه جایگزین شبنامه شد، اما گاهی در پرده‌داری و افشاکری به آن شبیه بود. روزنامه «صو‌راسرافیل» سربسله روزنامه‌های این دوره است که بجز مقالات و یادداشت‌های پررمز و گوینده‌اش، به ستون «چند دُخو» و طنزهایش، نام عبید زاکانی را در دیدن معایب اجتماعی زنده کرد. روزنامه‌های مشروطه از معلق نویسی روزنامه‌های پیش از مشروطه دوری گزیدند و با ساده‌نویسی، زبان جدید روزنامه‌نگاری را جا انداختند. بی‌جهت نبود روزنامه‌ها مخاطبان عام یافتند و موزعان «صو‌راسرافیل» از سودگاران تا کهنسالان بودند که بی‌هیچ چشمداشتی به



این کار مبادرت می‌ورزیدند. از آنجا که روزنامه‌هایی مانند «صو‌راسرافیل»، «روح‌القدس»، «جبل‌المتین تهران» و «مسوات» دزی در مقابل استبداد بودند، روزنامه‌نگاران بیشترین سهم را در میان قربانیان باغشاه داشتند.

زبان حال مردمان

با همین ویژگی مردم‌گرایی است که شعر از انحصار اشعار درباری و عاشقانه خارج شد و زبان حال مردمان شد. اگر شاعران سبک هندی بعضی از عادات و اطوار زندگی و اصطلاحات صنفی را وارد شعر پارسی کردند، حال، شاعران عصر مشروطه تاریخ‌ما معمولاً بار رسانهای وطن، قانون و... سخن گفتند. این شاعران با زبانی عامیانه به جای توصیف رخ یار یا مدح شاه، از مردم و برای مردم سرودند. شاید اگر مشروطه نبود، شاعری مانند سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی، معروف به نسیم شمال چهره نمی‌شد. شعر او که به اشعار عامیانه پهلو می‌زد، نه در فرهنگ شفاهی که در ادبیات مکتوب جایگاه مهمی یافت. او طعنه به صاحبان قدرت و نفوذان اجتماعی را در اشعارش آورد و مرز میان ادبیات رسمی و غیررسمی را از میان برداشت. تاریخ‌نگاری مشروطه نیز بر همین سیاق پول‌هایی می‌پرداختند، به جای خود، کم‌چیزان از همبازی بازمی‌ایستادند. طلبه‌ها نشست برپا کرده و پول از میان خود گرد آورده و می‌فرستادند؛ گفته می‌شد کسانی کتاب‌های خود را فروخته و پول بسیجیدند. شاگردان دبستان‌ها و پول‌های کار را می‌کردند. زنان گفت‌وگو می‌کردند و می‌فرستادند؛ گفته می‌شد که برای من یک رختشوی هستم، به سهم خود یک تومان می‌دهم.» جالب اینکه بانک ملی که قرار بود با سرمایه مردم و برای مردم باشد، بعدها که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد، تنها نامی از آن داشت. این بانک تبدیل به بانکی دولتی و در خدمت اهداف آن شد. شاید بتوان گفت «به دست مردم و برای مردم» مهم‌ترین هدفی بود که مشروطه‌خواهان در پی تحقق آن بودند. از همین‌رو بسیاری از امور از انحصار حکومت خارج شد. چنانچه انتشار روزنامه دیگر منحصر به دولت نبود. اگرچه امتیاز اولین روزنامه مشروطه، «مجلس»، با فرمان مظفرالدین شاه برای منسویان دو قفیه مشروطه‌خواه، بهبهانی و طباطبایی، صادر شد، اما روزنامه‌های بعدی توسط کسانی منتشر شدند که حتی مورد حقد و کین بعضی از آنها بودند.



مشروطه‌خواهان که بعدها به صفاتی چون انقلابی، ملی و آزادیخواه شناخته شدند، منورالفکرانی بودند که پیش و بیش از فعالیت‌های سیاسی به اقدامات فرهنگی بها می‌دادند. ابیان پیشتر با حضور در مؤسسات و نهادهای آموزشی و فرهنگی امکان حضور در مناصب حکومتی را یافتند. چنانچه یکی از رهبران روحانی مشروطه، سیدمحمد طباطبایی، بنیانگذار مدرسه جدیدی به نام «اسلام» بود. واعظانی مانند سیدجمال‌الدین اعظمی و آصف‌الله میرزا ناصر الله ملک المتکلمین و شیخ محمد سلطان‌الواعظین در تطبیق مفاهیم جدید با سنت‌های دینی می‌کوشیدند؛ همان نکته‌ای که روزگاری میرزا ملکم خان از آن سخن گفته بود. شبنامه‌ها هم در مقابل روزنامه‌های دولتی بودند که آکنده از تملق و تمجید و خالی از تنقید سیاسی بودند. مشروطه به مدد رسانه آگاهی توانست بر استبداد غلبه کند. به طوری که سیدمحمد مدرسه جدیدی در گشت‌وگویی با ناظم‌الاسلام کرمانی گفته بود: «این اقدامات و مقدمات در موقع نتایج خود را ظاهر خواهد داشت.»

جنبشی که با ساختار و رفتار فرهنگی به پیروزی رسید، نمی‌توانست در زمانه استقرار و تثبیت نسبت به مسائل فرهنگی و مدنی بی‌تفاوت باشد. ترکیب مجلس اول که طبقاتی بود و طبقه متوسط شهری در آن جایگاه خاصی داشت، به تحقق این هدف کمک کرد. تجار و اصناف به عنوان اصلی‌ترین نیروی پیش‌برنده مشروطه برای حفظ موقعیت جدید، از طریق توسعه طبقه متوسط شهری یا به بیان آن روزگار، «طبقه سوم» می‌کوشید. این توسعه با آگاهی و آموزش امکان‌پذیر بود. از همین رو توده‌های خارج از تقسیم‌بندی طبقاتی در انتخابات مجلس، از این بحث برخوردار بودند که از مذاکرات نمایندگان مطلع شوند. همچنین با تصویب قوانین مختلف مانند تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های بلدی سعی شد این طبقه در اداره ولایات و شهرها مشارکت داشته باشد. مشارکت مدنی شهروندان امری مختلف و آگاهی آنان از حقوق و وظایف‌شان از مهم‌ترین نکات در سازمان این نهاد‌های تازه‌بنیاد بود. در واقع، مهم‌ترین هدف نهفته در قوانین ایجاد نهاد‌هایی از این دست، تبدیل رعیت یا شهروندین به شهروند بود. از همین‌رو بدلیه‌ها و انجمن‌های ایالتی و ولایتی ارکان مطبوعاتی داشتند و از این طریق علاوه بر اخبار اقدامات‌شان، اهالی را نسبت به حقوق و وظایف شهروندی‌شان آگاه می‌کردند. گفتنی است مهم‌ترین روزنامه‌های عصر مشروطه همین ارگان‌های مطبوعاتی هستند؛ روزنامه‌هایی مانند «انجمن‌تربیز»، «انجمن مقدس ملی اصفهان»، «بلدیه تهران» و «جهاد اکبر» بر این برجستگی دلالتی روشن دارند. همین ویژگی است که مشروطه را در جایگاه انقلابی نشانده است. اگرچه مشروطه ایران انقلابی تمام‌عیار و خشونت‌بار بر مبنای تعاریف مارکسیستی نبود، اما توانست با ایجاد نهاد‌های جدید به حضور و مشارکت مدنی نیروهای اجتماعی چون تجار و اصناف و ورود بهمیانان‌شان به عرصه سیاست و اجتماع کمک کند. این مشارکت اما در مسیر حوادث متوقف با محدود شد. چنانچه انجمن‌های ایالتی بلدی برخلاف قانون مصوب مجلس اول، ابتدا تعطیل و سپس با تغییر قانون در سال ۱۳۰۹ نقش دولت در آنها پررنگ شد. چنانچه اعضای این انجمن‌ها در یک انتخابات در درجه‌ای، برای حضور

باتوجه به اینکه شعر آیینی‌ای برای بازتاب تحولات اجتماعی است از نظر شما تحولات سیاسی و اجتماعی چه اندازه در شعر مشروطه تأثیرگذار بوده است؟

شعر در دوره‌ای هنر اصلی کشور و جایگزین رسانه‌های عمومی بود. قبل از مشروطه، رسانه عمومی به معنای امروز وجود نداشت اما با ورود صنعت چاپ و ایجاد یک شرایط تازه از جمله انتشار مطبوعات و شب‌نامه‌ها، وضعیت تا حدی تغییر کرد. شعر به‌دلیل سهولت انتقال، قابلیت حفظ شدن و تأثیرگذاری گسترده در جامعه، در طول تاریخ‌ما معمولاً بار رسانهای مهمی را بر دوش کشیده است. در دوره مشروطه نیز زبان شعر به زبان گفتار مردم نزدیک‌تر شد، یعنی از زبان ادیبانه و محدود به خواص فاصله گرفت و زبانی عمومی‌تر پیدا کرد.

چه مضامینی مانند میهن، وطن یا وطن‌پرستی و... در شعر مشروطه رایج شد؟

مفاهیمی چون آزادی، عدالت، قانون و مجلس، مفاهیمی تازه بودند که قبل از ادبیات مشروطه به معنای اجتماعی و سیاسی امروز در فرهنگ ما رواج چندانی نداشتند. آن‌ها مثال واژه «آزادی» اگر به کار می‌رفت، بیشتر به معنای راهی از اسارت نفس، مفهومی عرفانی و فلسفی بود، نه معنای اجتماعی و سیاسی آن. البته این وضعیت تنها به ایران محدود نبود، در بسیاری از کشورهای جهان نیز چنین مفاهیمی هنوز به شکل امروزی تثبیت نشده بودند، چراکه این واژه‌ها و مفاهیم، محصول دوران تجدد بودند و همه این مفاهیم در شعر مشروطه بازتاب یافته‌اند. حتی واژه‌هایی مانند «ارلمان» و «انتخابات» نیز در شعر مشروطه دیده می‌شوند، زیرا در شعر فقط برای ثبت در کتاب نبود، در دوره مشروطه، شعر می‌توانست همان روز سروده و همان روز منتشر شود. برای مثال، بسیاری از شاعران این دوره، اشعار خود را در میان مردم و در میدان‌های مشهور شهر مثل خیابان بهارستان می‌خواندند.

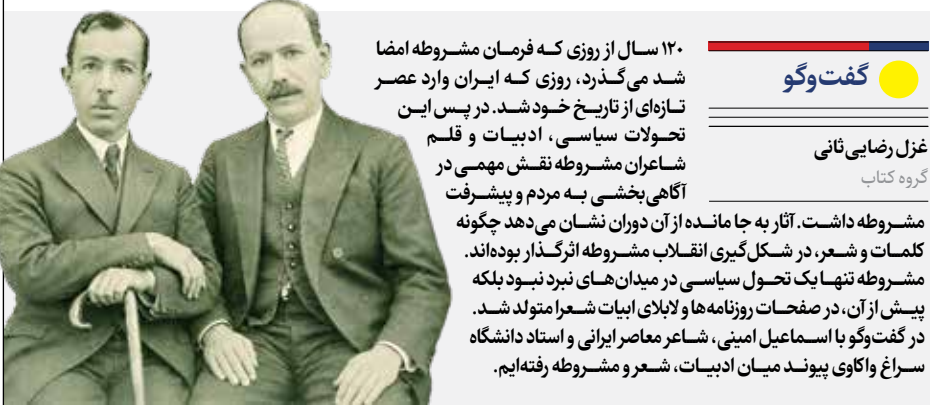
تأثیر روزنامه‌ها و مطبوعات بر تغییر شعر مشروطه چقدر بود؟

به نظر می‌رسد مطبوعات سبب شدند شعر از سبک‌های پیچیده و مسجع فاصله بگیرد و به زبان گفتار مردم نزدیک‌تر شود. البته این روند، بیشتر شد. تأثیر روزنامه‌ها و شعر، در دوره مشروطه، به زبان طبیعی گفتار مردم نزدیک‌تر می‌شد. یکی از دلایل این تغییر، دگرگونی مخاطبان ادبیات بود. در گذشته، مخاطبان اصلی ادبیات، گروه‌های محدودی مانند ادیبان، شاعران و درباریان بودند؛ اما با فراهم شدن امکان‌های تازه برای انتشار شعر، از جمله مطبوعات و کتاب‌های چاپی، شمار مخاطبان ادبیات افزایش یافت. این روند به گسترش سواد نیز کمک کرد و به تدریج تعداد افراد باسواد، بیشتر شد. تأثیر روزنامه‌ها و شعر، تأثیری متقابل بود. نشریات داشتیم که سراسر شعر بودند، مانند نشریه «نسیم شمال» که نثر چندانی نداشت و همه شعر بودند. حتی در دیگر نشریه‌ها که مطالب متنوع‌تری داشتند نیز بخش قابل‌توجهی به شعر اختصاص پیدا می‌کرد زیرا زبان شعر با سهولت بیشتری از سوی مردم پذیرفته می‌شد. با این حال، هنگامی که از زبان شعر برای تحلیل رویدادهای روز استفاده می‌شد، دایره‌رواگان آن گسترش پیدا می‌کرد و فاصله میان زبان ادیبانه و زبان عمومی کمتری شد.

ادبیات مشروطه چقدر موجب تغییر در زبان فارسی شد؟ این تغییرات چه مواردی بودند؟ شعر مشروطه تأثیر مستقیمی بر زبان و ادبیات روزمره مردم نگذاشت، بلکه برعکس،

آیین‌دار آرمان مردم

بررسی پیوند شعر و مشروطه در گفت‌وگو با اسماعیل امینی



۱۲۰ سال از روزی که فرمان مشروطه امضا شد می‌گذرد، روزی که ایران وارد عصر تازه‌ای از تاریخ خود شد. در پس این تحولات سیاسی، ادبیات و قلم شاعران مشروطه نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به مردم و پیشرفت مشروطه داشت. آثار به جا مانده از آن دوران نشان می‌دهد چگونه کلمات و شعر، در شکل‌گیری انقلاب مشروطه اثرگذار بوده‌اند. مشروطه تنها یک تحول سیاسی در میدان‌های نبرد نبود بلکه پیش از آن، در صفحات روزنامه‌ها و لابلای ابیات شعر امتولید شد. در گفت‌وگو با اسماعیل امینی، شاعر معاصر ایرانی و استاد دانشگاه سراغ وا‌کاوی پیوند میان ادبیات، شعر و مشروطه رفته‌ایم.

ادبیات مشروطه از زبان گفتار مردم تأثیر گرفت. دلیل این انتقال، مخاطبان ادبیات بود. مخاطبانی که دیگر تنها ادیبان، شاعران و درباریان نبودند، بلکه عموم مردم بودند. از طرف دیگر، موضوعات تازه‌ای در شعر و ادبیات مطرح شد که ارتباطی مستقیم با زندگی اجتماعی مردم داشت. دیگر شعر فقط به مضامینی مثل فلسفه و عرفان نمی‌پرداخت، بلکه مسائلی مانند آزادی، عدالت، قانون و رویدادهای روز را نیز بازتاب می‌داد. همین تغییر در موضوعات، باعث شد مردم با شعر احساس نزدیکی و انس بیشتری پیدا کنند.

دکتر شفیعی دکنی معتقد است بعد از مشروطه مایک شعر مطبوعات و یک شعر ادبیات داریم. نظر شما درباره این تقسیم‌بندی چیست؟ شعر مطبوعات و ادبیات چه مرادوه‌ای باید کرد داشته‌اند؟

این موضوع در روزگار ما نیز مطرح است، برخی از شاعران ترجیح می‌دهند به زبانی شعر بگویند که متعلق به سنت هزارساله شعر فارسی است و مخاطب خاص را در نظر می‌گیرند، اما برخی ترجیح می‌دهند با زبانی شعر بگویند که نزدیک به زبان ساده گفتار مردم است. به هیچ عنوان نمی‌توان ارزش‌گذاری کرد و گفت کدام یک از اینها بهتر است، به این دلیل که این دو گونه‌های مختلفی از شعر هستند. در یک دوره‌ای برخی از شاعران با زبان ادیبانه شعر می‌گفتند و عقیده‌ای به بیان مسائل روزمره در شعر نداشتند. در مقابل عده‌ای هم ترکیب این دو شعر را پیش برده‌اند مانند مرحوم ملک الشعرای بهار که هم اشعار باشکوه و ادیبانه دارد و هم شعرهای که موضوعات روزمره را مطرح می‌کند.

از نظر شما تأثیر ادبیات مشروطه روی شاعران و نویسندگان کشور ما چه بوده است؟

شعر مشروطه مجموعه‌ای از تحولات گسترده را با خود به همراه آورد که فراتر از شعر و ادبیات بود. برای نمونه، خواست شعری از محصلان ایرانی در خارج از کشور، شیوه‌های نوین تعلیم و تربیت به ایران راه پیدا کردند. از سوی دیگر، تضعیف قدرت مرکزی و تربیت به ایران راه پیدا کردند. از این دوره، پذیرش مشروطه را برای برخی به امری ناگزیر و فراتر از یک خواست شخصی تبدیل کرد. همه این دگرگونی‌ها در نهایت به متنوع‌تر شدن ادبیات معاصر منجر شد. در گذشته، موضوعات شعری محدود و شمارش‌پذیر بودند، به‌طوری‌که شاید در نهایت ۸ یا ۱۰ محور کلی را به عنوان موضوع شعر معرفی می‌کردند، اما امروزه این مرزها فرو ریخته و دایره موضوعات شعری به صدها عنوان و مسأله مختلف گسترش یافته است.

کدام شاعران برجسته مشروطه توانستند تأثیرگذاری بیشتری در آن زمان و پس از آن داشته باشند؟

نهضت مشروطه قهرمان یکتا یا بخصوصی در سطح اجتماعی نداشت بلکه قهرمانان آن، مجموعه‌ای از افراد مختلف در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی بودند. بخش

امه‌نوز هم در سوگ بسیاری از شهدای خوانده می‌شود. شعرهایی مانند «از خون جوانان وطن لاله دمیده» از ملک‌الشعرا بهار نیز چنین جایگاهی دارند. با این حال، نمی‌توان گفت شعرهایی که تاریخ مصرف ندارند، لزوماً برجسته‌ترند. بسیاری از شعرها در مقطع تاریخی خود اثرگذار می‌داشته‌اند، حتی اگر بعدها نامی از آنها برده نشود؛ برای مثال ملک‌الشعرا بهار شعر درباره کابینه سید ضیاء‌الدین طباطبایی، مشهور به «کابینه سباه»، سروده که در آن زمان تأثیر و کارکرد اجتماعی خود را نشان داد.